



رونمایی کتاب تاریخ سلطانی

معصومه جعفری

کتاب تاریخ سلطانی نوشته سلطان محمد بارکزی به تصحیح و تحشیه عتیق اروند از سلسله کتاب‌های نشر شده انتشارات امیری به تیراژ هزار نسخه در کابل با اشتراک علاقه‌مندان کتاب و فرهنگ و حضور دکتر مجیب‌الرحمان رحیمی، دکتر محی‌الدین مهدی و علی امیری رونمایی شد. تاریخ سلطانی بیانگر تاریخ حکومت‌داری لودیان، سوریان، غلجاییان و سدوزیان است و از بیان حدود افغانستان آغاز شده است و تا پایان حکومت شاه شجاع ادامه دارد.

دکتر مهدی با انتقاد از کتاب تاریخ سلطانی چنین بیان داشت: «این کتاب باید با نقشه‌ها و تصاویر تاریخی مزین می‌شد؛ زیرا اگر جغرافیا نباشد، تاریخ نیز فهمیده نمی‌شود. از آنجایی که تصاویر سند گویای تاریخی و بیانگر حقایق بسیاری است؛ اما این کتاب در این بخش کمبود دارد حتی تصاویر اشخاص نیز در آن آورده نشده است».

سخنران پایانی این محفل، عتیق اروند بازنویس و تصحیح‌کننده کتاب تاریخ سلطانی گفت: «با بازنویسی کتاب تاریخ سلطانی می‌خواستم ضعف بزرگی که تاریخ‌خوانی دارد از بین برود. بیشتر منابع ما برخلاف غرب، منابع کاملاً رسمی و درباری است، این مراعاتی بیشتر می‌کرد. افزون بر این که نمی‌توانستم به منابع محلی رجوع کنم». ایشان در ادامه افزود: «دست من باز بود، به راحتی می‌توانستم به تاریخ‌نویسانی چون حبیبی و کوهزاد با آوردن

کتاب تاریخ سلطانی نوشته سلطان محمد بارکزی به تصحیح و تحشیه عتیق اروند از سلسله کتاب‌های نشر شده انتشارات امیری به تیراژ هزار نسخه در کابل با اشتراک علاقه‌مندان کتاب و فرهنگ و حضور دکتر مجیب‌الرحمان رحیمی، دکتر محی‌الدین مهدی و علی امیری رونمایی شد. تاریخ سلطانی بیانگر تاریخ حکومت‌داری لودیان، سوریان، غلجاییان و سدوزیان است و از بیان حدود افغانستان آغاز شده است و تا پایان حکومت شاه شجاع ادامه دارد.

در آغاز برنامه، دکتر مجیب‌الرحمان رحیمی در نوبت سخنرانی خود این کتاب را سودمند دانست و گفت: «کتاب‌های تاریخی اگر به شیوه جدید، باز چاپ شوند کمک زیادی به دانستن و پی بردن تاریخ می‌کنند؛ زیرا دانستن نسخه‌های قدیمی بسیار سخت و دشوارند». ایشان همچنین گفت: «باتوجه به این که درونمایه کتاب‌های تاریخی بازگویی و پربسامد است؛ ولی کتاب تاریخ سلطانی از کتاب خوبی است و از منابع خارجی و انگلیسی بهره برده است».

دکتر محی‌الدین مهدی از کانون اصلاحات برای برگزاری این گردهمایی، از انتشارات امیری برای نشر کتاب و آقای اروند برای تصحیح تاریخ سلطانی سپاس‌گزاری کرد و در مورد تحشیه‌نویسی گفت: «اگر



تصحیح این کتاب بیش از یک سال را دربر گرفته است. ارونند نزدیک به پنج ماه اول را صرف تصحیح و سپس تحشیه‌نویسی کرده است. در تمامی صفحات کتاب، پاورقی‌هایی به چشم می‌خورد که ایشان برای باز کردن موضوعات و کلمات گنگ و نامفهوم نوشته است.

اروند دربارهٔ پانویشت‌های کتاب چنین آورده است: «هر جا فرصتی فراهم شده است با استفاده از متون دیگری که به همان رویدادها پرداخته‌اند با روایت مسلط کتاب مقابله کرده‌ام، هر چند برای این کار امکانات کافی نداشته‌ام. روایت مخدومان، سرکوب‌شدگان، اقلیت‌ها، اصناف، در کل توده‌های مردم بار اصلی تاریخ را بر دوش کشیده‌اند، این‌ها در اختیارم نبوده است. کتاب‌هایی که به آن‌ها دسترسی داشته‌ام، صرفاً روایتگر داستان پادشاهان و درباریان بوده‌اند.»

اروند در بازنویسی این کتاب تلاش کرده است تا نگاه محلی، بومی و شکسته ریخته نابخردانه را بر نگاه کلی، آگاهانه، رسمی، دانشگاهی و جهان‌شمول غالب کند. ایشان در پایان سخنانش یادآور شد: «این کتاب هنوز هم کمبودهایی دارد. اگر تجدید چاپ شود آن را تصحیح و نکات دیگری نیز بر آن خواهد افزود.»

سند‌های تاریخی حمله کنم».

اروند در ادامه گفت: «شاید کسی که این کتاب را می‌خواند با آدم‌های ضد افغانستان روبه‌رو شود؛ زیرا کوشش کرده‌ام با نگاه‌های رسمی، کلان و کلی بازی شود با روایت‌های کلان درباری که همیشه به خوردمان داده‌اند، مبارزه کنم.»

به‌باور ارونند از آغاز تشکیل افغانستان: «کتاب تاریخ سلطانی از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخی شمرده می‌شود؛ اما آن‌چه ایشان در هنگام تصحیح این کتاب با آن مواجه شده است، این است که سی‌وشش صفحه از این کتاب عاریه گرفته شده است و رونوشت بوده است. کتاب، دارای سه تا چهار نثر مختلف است، نویسنده حاکمیت چندانی به بیان و زبان نداشته است.»

اروند در مقدمهٔ این کتاب چنین آورده است: «دورهٔ ما دورهٔ دشواری است، ایدئولوگ‌ها بیش از هر زمان دیگری در تاریخ این کشور به جان هم افتاده‌اند. گروهی سرسختانه از آرمان‌های ناسیونالیست بنیان‌گذار انجمن تاریخ دفاع می‌کنند. برخی خراسان‌خواهی را در برابر پشتونستان‌خواهی برافراشته‌اند، گروهی نیز از پان‌ترکیسم سخن می‌زنند. در چنین شرایطی با این تاریخ چه باید کرد؟»